

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Martyrs

جانبازان

میرویس ودان محمودی

۰۲ جون ۲۰۱۷

یادی از انقلابی شعله ئی، زنده یاد "محمد یوسف ترین"



زنده یاد "انجنیر محمد یوسف ترین"، برادر جوانتر زنده یاد "داکتر محمد هاشم مهربان"، و فرزند "محمد علم مهربان"، در سال ۱۳۲۵ خورشیدی در قریه "فتح آباد" ولسوالی "سرخرود" ولایت "ننگرهار" تولد شد و بعد از فراغت از "لیسه حبیبیه" شامل حربی پوهنتون گردید.

زنده یاد "انجنیر محمد یوسف ترین"، دو بار به خاطر ادامه تحصیل به کشور "چکوسلواکیا" سفر نمود، بار اول به مدت سه سال و بار دوم به مدت شش سال را در آنکشور گذرانید و تا آن که به رتبه "جکتورن" ارتقاء نمود. به تاریخ ۲۴ حوت سال ۱۳۵۷ خورشیدی در جریان وظیفه رسمی توسط جاسوسان دستگاه جهانی "اکسا" دستگیر و به بلاک چهارم زندان "پلچرخ" انتقال داده شد. مدت شش ماه را در سلول های زندان "پلچرخ" سپری نمود و بعد از شش ماه؛ تیغ جلادان خادیسست قلب ملامال از عشق به وطن و عشق به مردمش را درید و از حرکت انداخت. اسم پر غرور این ابر مرد تاریخ و جانباخته همیشه جاوید شعله ئی در شماره ۴۱۵۰ لیست جانباختگان درج می باشد.

یکی از دوستان همرمز زنده یاد "ترین" که یک انقلابی شعله ئی و یک نظامی ماهر و با تجربه می باشد، در وصف راد مرد زنجیر شکن "انجنیر محمد یوسف ترین"، چنین می نویسد:

"با مطالعه پرا گراف تاریخی "میرویس عزیز" به یاد آن روزی افتادم که مصادف بود به روز اول عید روزه ، و در آنروز "انجنیر یوسف ترین" به مشکل به سلول ما آمد و با هم نشستیم و از چهار طرف تبصره ها و قصه ها نمودیم و فضای محفل ما آنقدر صمیمی بود که فکر نمی شد در زندان مخوف "پلچرخ" هستیم. به یاد دارم که در اولین روز های سلطه خونین "امین جلاد" لیست نام خوانی شد و "انجنیر ترین" شامل آن لیست بود. وقتی که به بهانه تشناب، از سلول عمومی خارج می شدم، در مرکز دهلیز عمومی، "انجنیر ترین" گرامی با چند زندانی دیگر در یک صف نشسته و به فکر عمیق فرو رفته بود و درک می کرد که این بار به جانی برده می شود که برگشت ندارد. "انجنیر ترین" در اثنای بیرون شدن از بلاک شماره ۲ از بین زندانیان که صف دراز کشیده بودند، مغرورانه و با جرأت یک انقلابی واقعی و نترس در حالی که قدم های متین برمی داشت، چنین شعار می داد " به امید رهائی شما ". چهره بشاش و رفیقانه اش را هیچ گاه فراموش نخواهم کرد. شهادت آن راد مرد واقعاً ستودنی بود. مدت ها بعد از رهائی در محل وظیفه با داکتر دواساز، هم صحبت شدم و به ویژه راجع به دوران زندان و راجع به "انجنیر ترین" یاد آوری نمودم . داکتر دوا ساز که اسمش فراموش شده است گفت که با "انجنیر ترین" و زنده یاد "داکتر مهربان" قرابت خانوادگی دارد. "داکتر دوا ساز" هم چنان راجع به دختر جوانمرگ "داکتر مهربان" گفت که وی آنقدر به کاکایش "انجنیر ترین" نزدیک بود که هیچ گاه کاکایش را در پهلوی پدر فراموش کرده نمی توانست و تا آنوقت گریست تا در سوگ پدر و کاکا ؛ جان سپرد. دو برادر انقلابی هرگز فراموش رفقایش و مردمش نخواهد شد. راهی که به خون آنها سرخ و گلگون گردیده است پر روهرو و یاد و خاطرات آنان گرامی باد!"

"جان فشان و راد زی و راه کوب و مرد باش تا شوی باقی چو دامن برفشانی زین دمن.

خاقانی"

آری! زنده یاد "انجنیر یوسف مهربان" نمونه یک انقلابی بی باک و نترس و مردی بود از تبار راد مردان زنجیر شکن که به تجاوز و اسارت نه گفت و در پهلوی مردمش ایستاد و همانندی کسانی نبود که اذعان می نمودند که هم خود شان و هم روسها به ماتریالیزم دیالکتیک عقیده دارند، یعنی به روسها و سگان پرچمی، خادی و خلقی شان چراغ سبز نشان می دادند و با فروتنی در مقابل استعمار شوروی گردن می نهادند.

مسأله ای را که باید بالای آن مکث شود این است که بیشتر از پنجاه هزار تن از انقلابیون شعله ئی و رزمندگان جنبش ملی و انقلابی متعلق به ملیت های مختلف کشور، در راه نجات میهن و دفاع از مردم توسط روسها و تازی های شکاری شان خلقی ، خادی و پرچمی و هم چنان باند های تروریست اسلامی اخوانی بالاخص باند کثیف اسلامی "گلبدین" و به همکاری مستقیم سازمان استخبارات "پاکستان" ، "آی -اس-آی" تیر باران و ترور شدند و اما یک عده ای لاوالبی بزدل تسلیم طلب، سکتاریست، محلیگرا، قومپرست و تجزیه طلب؛ افتخارات چپ انقلابی و اسم های قهرمانان شعله ئی و جنبش انقلابی را که در راه آزادی افغانستان و دفاع از نوامیس ملی جان باخته اند، در انحصار خایانه و ردیلانه شان قرار داده و در ساحة "کلکان" و چند قریه کوچک "کوهدامن" محدود ساخته اند. تاریخ شهادت می دهد که خون انقلابیون پاکباز مربوط به همه ملیت های کشور، دشت و دمن ، کوهساران ، جاده ها و خیابان های این مرز و بوم را رنگین و گلگون ساخته است نه از یک و یا دو قریه کوچک کوهدامن را. همه انقلابیون و وطنپرستان صادق می دانند که تسلیم طلبان خلاف ستراتیژی و تاکتیک ها و تمامی موازین و پرنسب های مبارزاتی (ساما) به آرمان والای مردمی و انقلابی (سازمان آزادیبخش مردم افغانستان) و راه و رسم رهبران این سازمان رزمنده سیاسی و نظامی تراز نو و پیشتاز در جنبش انقلابی هم چو زنده یادان رفیق مجید کلکانی، رفیق

رهبر، رفیق قاضی ضیاء، رفیق نادر علی پویا، رفیق میرویس، رفیق سرمد و ده ها و صد ها تن از رفقای به خون خفته دیگر؛ سر تسلیم به آستان خوجه نین ربانی نهادند و بعد از استفاده های ابزاری توسط همین میزبانان جمعیتی کشته شدند که در بین آنان خاله زاده مادرم "فاروق سرباز" نیز شامل بود. جای شک نیست که بعضی از آنان در یک برهه زمانی تحت درفش سرخ (ساما) رزمیدند و متأسفانه ایدئولوگ نبودند و از ایدئولوژی و تئوری "م - ل - ا" اصلاً بوئی نبرده و تنها در جنگ آزادیبخش اشتراک ورزیدند. تسلیم شدن آنان به باند جمعیت اسلامی و بعداً "شورای نظار" گذشته های نسبتاً خوب شان را تحت الشعاع قرار داد و مهر خیانت و تسلیم طلبی بر جبین شان حک نمود. انقیاد طلبان قومپرست از تسلیم طلبانی که توسط باند جمعیت کشته شده اند، روئین تنانی هم چو اسفندیار جلوه داده و از آنان قهرمانان بی همتا ساخته و در وصف و ستایش شان قلم فرسائی و تبلیغات خابانه ای را به راه انداخته اند. ببینید تسلیم طلبانی که ایدئولوژی نداشتند و آن عده ای از انقیاد طلبان که ظاهراً دارای ایدئولوژی بودند، چگونه به آسانی تسلیم خواست های سوسیال امپریالیزم شدند و به چپلی های بد بوی اخوان بوسه زدند و در خواری و ذلت مردند و آنانی که زنده ماندند با (خاد) دولت مزدور سازمان سیاسی را تشکیل دادند که علیه انقلابیون جاسوسی می کردند و حالا به بوت پاکی امپریالیست ها مشغولند.

قهرمان و روئین تنانی هم چو مجید، میرویس، پویا، ضیاء، بهمن، لطیف محمودی، داکتر دادگر، داکتر رزبان، داکتر هاشم مهربان، انجنیر محمد یوسف ترین و ده ها و صد ها انقلابی که پیرو ایدئولوژی دوران ساز طبقه کارگر، و نجات دهنده دهقان و همه زحمتکشان یعنی "م - ل - ا" بودند، بی باکانه تا واپسین نفس سر تسلیم به درگاه سوسیال امپریالیزم و سگان تربیه شده بومی آنان خم نکردند و هم چو صخره ها و ستیغ کوهساران سر به فلک پامیر، بابا و سیلیمان در مقابل آنان مقاوم ایستادند و مرگ سرخ را بر تسلیمی و خیانت ترجیح دادند.

زنده یاد "انجنیر محمد یوسف ترین"، ۳۸ سال داشت و مجرد بود. گل سرخ زندگانی این جوان نامراد، جذاب و با صلابت در سی و هشت سالگی توسط کثیفترین دشمنان آزادی پر پر گشت. از زندگانی مبارزاتی این انقلابی شجاع بیاموزیم و راهش را که راه و آرمان همه رهبران جانباخته ما می باشد تا به سرمنزل پیروزی ادامه دهیم.

دروود های فراوان بر یاد و خاطرات ملی و انقلابی "انجنیر محمد یوسف ترین!"

نابود باد جنایتکاران خلقی، پرچمی، خادی و برادران تنی اخوانی شان!